

مبانی قاعده‌ی نقض قابل پیش‌بینی

دکتر حمید رضا نیکبخت *

عباس کاظمی نجف‌آبادی **

چکیده

قاعده‌ی نقض قابل پیش‌بینی، با وجود اصول ثابتی که دارد، هم‌واره پرسش‌های زیادی را با خود به همراه داشته و با ابهاماتی مواجه بوده است. این پرسش‌ها و ابهامات، حقوق‌دانان را بر آن داشته تا هر یک، بر اساس اندیشه‌های خود، مبنایی حقوقی برای این قاعده مطرح کنند تا بتوانند بر اساس آن مبنا، جنبه‌های تاریک و ناشناخته‌ی قاعده را پاسخ گویند. لذا در حقوق ملی، در توجیه قاعده‌ی نقض قابل پیش‌بینی، مبانی بسیار متفاوتی مطرح شده است. تسهیل عملی، غیرممکن شدن اجرای قرارداد، نقض واقعی، نقض گریزناپذیر، حمایت از انتظارات معقول، مسئولیت غیرقراردادی، تهدید به نقض، ایجاب و قبول، شرط ضمنی، پیش‌شرط ضمنی و تئوری غیرحقوقی، نظریه‌هایی هستند که برای توجیه این قاعده ارائه شده‌اند. اما به نظر می‌رسد هیچ‌یک از این نظریات، نمی‌تواند به‌طور کامل و جامع این قاعده را توجیه نماید. به نظر با تفکیک شرط مدت در قرارداد، و حذف آن در شرایط وقوع نقض، می‌توان به مبنای بهتری برای توجیه این قاعده رسید که هم با اصول حاکم بر قراردادها تناسب کامل دارد و هم عملکرد قاعده را به‌خوبی توجیه کرده و زوایای تاریک آن را روشن می‌سازد.

کلید واژگان

نقض قابل پیش‌بینی، ایجاب و قبول، شرط مدت، اجرای قرارداد.

* استاد دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

** دانش‌آموخته‌ی دکتری حقوق خصوصی.

مقدمه

قاعده‌ی نقض قابل پیش‌بینی، زمانی مطرح می‌شود که پس از انعقاد قرارداد،^۱ و قبل از فرارسیدن موعد اجرا،^۲ مسئله‌ی عدم اجرای تعهدات قراردادی متعهد مطرح گردد؛ به عبارت دیگر، عدم توانایی یا اراده‌ی یک طرف قرارداد در اجرای تعهداتش، قبل از موعد اجرا، مشخص گردد.^۳ نقض قابل پیش‌بینی، به نقضی گفته می‌شود که قبل از رسیدن موعد اجرای قرارداد، از طریق اعلام متعهد مبنی بر عدم انجام تعهدات قراردادی‌اش یا بر اساس اظهارات یا عملکرد او که نشان از عدم قصد یا توانایی او در اجرای تعهداتش در موعد مقرر دارد، محقق می‌شود. قاعده‌ی نقض قابل پیش‌بینی، با وجود اصول ثابتی که دارد، هم‌واره پرسش‌های زیادی را با خود به همراه داشته و با ابهاماتی مواجه بوده است.^۴ از جمله این که چگونه ممکن است قبل از سررسید قرارداد، قرارداد نقض شود؟ چه موقع این نقض واقع می‌شود؟ آیا نقض قابل پیش‌بینی با رد قرارداد از سوی متعهد محقق می‌شود یا نیاز به قبول آن از سوی متعهدله دارد؟ در این صورت معنا و مفهوم این قبول چیست؟ متعهد تا چه زمانی می‌تواند از رد قرارداد برگردد؟ در این نقض معیار محاسبه‌ی خسارت چه زمانی است؟ این پرسش‌ها و ابهامات، حقوق‌دانان را بر آن داشته تا هر یک، بر اساس اندیشه‌های خود، مبنایی حقوقی برای این قاعده مطرح کنند تا بتوانند بر اساس آن مبنای

1. Art. 71 CISG.

2. Art. 72 CISG.

3. Carter, J. W., **Breach of Contract**, Sydney, The Law Book Company Limited, 2th ed., No. 701, 1991, p. 216.

4. Dawson, Francis, "**Metaphors and Anticipatory Breach of Contract**", Cambridge Law Journal, Vol. 40, 1981, pp. 83–107.

جنبه‌های تاریک و ناشناخته‌ی قاعده را پاسخ گویند. لذا در حقوق ملی، در توجیه قاعده‌ی نقض قابل پیش‌بینی، مبانی بسیار متفاوتی مطرح شده است.^۵ در این مقاله ضمن تشریح و بررسی نظریه‌های گوناگونی که برای توجیه این قاعده‌ی حقوقی، که منشأ حقوق عرفی^۶ دارد، ارایه شده، سعی می‌شود با طرح یک نظریه‌ی جدید، مبنایی نو و قابل پذیرش‌تر نسبت به نظریات قبلی ارایه شود. این مقاله در دو قسمت تنظیم شده است. در قسمت اول، به بررسی مبانی ارایه شده جهت توجیه قاعده می‌پردازیم و در قسمت دوم، مبنای پیشنهادی جدید را تشریح می‌کنیم.

قسمت اول: مبانی موجود

الف. سهولت در عمل^۷

یکی از مبانی که از ابتدای ایجاد قاعده‌ی نقض قابل پیش‌بینی مطرح گردید، مبنای سهولت در عمل است. دکرین نقض قابل پیش‌بینی تا اندازه‌ی زیادی بر اساس سهولتی که در عمل ایجاد می‌کند، شکل گرفته است.^۸ به عبارت دیگر، وقتی مشخص شد که متعهد نمی‌تواند یا نمی‌خواهد تعهد خود را در آینده انجام دهد، راحت‌تر خواهد بود به متعهدله اجازه داده شود که به قرارداد پایان دهد.^۹

5. Carter, *op. cit.*, No. 717, p. 222.

6. Common Law.

7. Practical Convenience.

8. *Wight v. Foma* (1987) 11 N.S.W.L.R.470 at 487-488 (cited from: Carter, *op. cit.*, No.717, p. 222, note 42).

9. *Woodar Investment Development Ltd. v. Wimpey Construction U.K.Ltd.*(1980)1 W.L.R.277 at 296-297 (cited from: Carter, *op. cit.*, p. 222, note 43).

به نظر برخی، مهم‌ترین مبنایی که می‌تواند قاعده را توجیه کند، همین تسهیلی است که در عمل ایجاد می‌شود.^{۱۰} مهم‌ترین دلیل عملی که اجازه‌ی اقامه‌ی دعوا را به متعهدله در زمان رد قرارداد، پیش از فرارسیدن موعد می‌دهد، این است که امکان اقامه‌ی دعوا در آن زمان، منجر به حفظ منابع موجود و جلوگیری از اتلاف می‌شود.^{۱۱} اگر تا قبل از این که موعد قرارداد برسد و قرارداد عملاً نقض شود، هیچ مجوزی برای اقامه‌ی دعوا وجود نداشته باشد، خسارات هنگفتی از عدم امکان اقامه‌ی دعوا وارد می‌شود. بنابراین امکان اقامه‌ی دعوا بلافاصله پس از رد قرارداد که می‌تواند از وقوع این خسارات جلوگیری کند، بهترین مجوز برای قاعده است.^{۱۲}

این مسئله مخصوصاً در قراردادهای طولانی‌مدت، از اهمیت خاصی برخوردار است.^{۱۳} در این دعاوی، دعوا هر چه زودتر اقامه شود، طرفین زودتر می‌توانند تکالیف خود را بشناسند و اقدامات موثر خود را متناسب با آن انجام دهند.^{۱۴} در واقع، تجویز پایان دادن به قرارداد پس از رد آن از سوی یکی از طرفین، یکی از مصادیق قاعده‌ی کلی حاکم بر قراردادها (قاعده‌ی کاهش خسارت) است^{۱۵} که می‌گوید: خواهان مکلف به کاهش خسارات یا حداقل جلوگیری از افزایش خساراتی است که آن را از خوانده مطالبه

10. Williston, Samuel, "Repudiation of Contract II", Harvard Law Review, Vol. 14, No.7, 1900-1901, p. 438.

11. Vold, L., "Repudiation of Contract", Nebraska Law Bulletin, Vol. 5, 1926-1927, pp. 279,280.

12. *Ibid.*, pp. 281,282.

13. *Ibid.*, p. 284.

14. *Ibid.*, p. 285.

15. Williston, *op. cit.*, p. 422.

می‌کند.^{۱۶}

بر این مبنا اشکال گرفته شده که هرچند ممکن است تسهیلی که در عمل ایجاد می‌شود، بر ریزبینی‌های منطقی غلبه کند، اما نمی‌تواند مجوزی باشد تا از اصول حقوقی تجاوز شود. اصول حقوقی نه تنها در زمان مراجعه به دادگاه‌ها، بلکه در حل و فصل اختلافات در جامعه نیز مبنا هستند. این اصول، تنها از زیان‌دیده حمایت نمی‌کنند، بلکه خواننده نیز که به نوعی زیان‌دیده است تحت حمایت آن در می‌آید، چرا که او مسئول جبران خسارت است، در حالی که تنها تعهد به اجرای قرارداد در موعدی که هنوز نرسیده را داشته است. گسترش دامنه‌ی نقض به پیش از موعد قرارداد، می‌تواند به متعهد صدمه بزند و برای مثال، حق رجوع به قرارداد را از او سلب کند.^{۱۷} در واقع متعهدله، تا قبل از رسیدن موعد، صاحب حق مطالبه یا متحمل خسارتی نشده که متعهد مکلف به جبران خسارات او باشد و بگوییم با این قاعده، در عمل، تسهیل ایجاد شده و متعهدله می‌تواند خسارات را مطالبه کند.^{۱۸}

ضمن این که این مبنا، علاوه بر این که کلیت قاعده را توجیه نمی‌کند، برای مثال مشخص نمی‌نماید که به چه دلیل خواهان حق دارد قرارداد را ادامه دهد و در موعد اقامه‌ی دعوا آن را نقض کند؛ این مبنا نمی‌تواند جنبه‌های مختلف فنی قاعده را نیز تبیین نماید.

16. *Ibid.*, p. 423.

17. *Ibid.*, p. 438.

18. *Daniels v. Newton*, 114 Mass, 530 (cited from: Rapids, Mich. Grand; Campbell, L. I. M. Colin P., "The Doctrine of Anticipatory Breach", Contract Law Journal, Vol. 60, 1905, p. 66).

با این حال به نظر تسهیل عمل، هرچند مبنای خوبی برای توجیه کلیت لزوم قاعده است، مبنای خوبی برای توجیه فنی آن نیست. سهولت در عمل، همانند عدالت و ایجاد نظم در روابط، یکی از معیارهای کلی برای تنظیم روابط حقوقی است که به‌خصوص در این قاعده جلوه‌ی خاصی یافته است. اما رسیدن به این اهداف کلی، با استفاده از توجیهات حقوقی و منطقی شکل گرفته و در قالب نظریه‌های ظریف‌تر تجلی می‌یابد. بی‌گمان یکی از شاخصه‌های تمامی قواعد حقوقی این است که در حد امکان، روابط طرفین را، مخصوصاً در دادوستدهای تجاری، تسهیل بخشند. لذا این مبنا، بیش‌تر مبنایی برای توجیه قاعده و مشروعیت اصل آن است که باید با سایر اصول و قواعد حقوقی مانند عادلانه بودن یا اصل ثبات قراردادها جمع گردد.

ب. غیرممکن شدن اجرای قرارداد^{۱۹}

یکی دیگر از نظریاتی که در مورد قاعده‌ی نقض پیش از موعد مطرح شده، این است که این قاعده، بر اساس نظریه‌ی غیرممکن شدن اجرای قرارداد شکل گرفته است.^{۲۰} به این معنا که متعهدله، با رد قرارداد یا نقض پیش از موعد، اجرای آن را در موعد مقرر غیرممکن می‌سازد.^{۲۱}

زمینه‌ی تاریخی: در نظام حقوق عرفی، از قدیم پذیرفته شده بود که هرکدام از طرفین قرارداد که خود یا طرف دیگر را از انجام قرارداد ناتوان ساخته یا مانع او گردد، ناقض

19. Impossibility.

20. *Atkinson v. District Bond Co.*, 5 Cal.App.2d 738; 43 p.2d 867 at 869 (1935) (cited from: Carter, *op. cit.*, p. 223, note 51).

21. Carter, *op. cit.*, no. 719, p. 223.

قرارداد شناخته می‌شود، حتی اگر این کار قبل از رسیدن موعد اتفاق بیفتاد.^{۲۲} در قرن شانزدهم، این مسئله در مورد دعوی اجازه‌ی زمین رخ داد^{۲۳} و بعد هم به قراردادهای ازدواج تسری پیدا کرد.^{۲۴} پس از حدود دویست سال سکوت، در اوایل قرن نوزدهم، این قاعده دوباره احیا^{۲۵} و در دعوی مختلف به آن حکم داده شد و مبنای اصلی در صدور رای هاجستر^{۲۶} به‌عنوان رای سازنده‌ی قاعده قرار گرفت.

22. Nienber, P. M., "The Effect of Anticipatory Repudiation: Principle and Policy", The Cambridge Law Journal, 1962, p. 216.

23. Stoljar, Samuel, "Some Problems of Anticipatory Breach", Melbourne University Law Review, Vol. 9, 1973-1974, p. 356.

برای مثال، در دعوی "Maan's Case (1596) 5Co. Rep, 20b, Poph 159"، موجر پس از آن که توافق کرده بود پس از پایان اجاره و با درخواست مستاجر، مدت را تمدید کند، آن را برای هشت سال به شخص ثالثی منتقل کرد. مستاجر این گونه اقامه‌ی دعوا نمود که موجر خود را از اجرای تعهدش، که همان تمدید اجاره بوده، «ناتوان» کرده است. خواننده پاسخ داد نقضی صورت نگرفته، زیرا نقض پس از آن صورت می‌گیرد که مدت اجاره‌ی اول تمام شود و خواهان تمدید اجاره را مطالبه کند. اما دادگاه استدلال او را نپذیرفت، چرا که موجر با ناتوان ساختن خود از اجرای قرارداد، تسلیم ملک و تقاضای تمدید را بیهوده ساخته بود.

Stoljar, *op. cit.*, p. 356.

24. *Harrison v. Eape* (1698) 1 Ld Raym.386, 3.Ld Raym 268.

در این دعوا، خواننده که یک زن بود با ازدواج با مرد دیگری، اجرای تعهد خود به ازدواج با خواهان را غیرممکن ساخت.

Cited from: Stoljar, *op. cit.*, p. 356, note 4.

25. *Ibid.*, p. 356.

26. *Hochster v. De La Tour* (1853), 2 E. & B. 678.

در این دعاوی، زیان‌دیده بلافاصله و بدون این که لازم باشد تا رسیدن موعد مقرر در قرارداد منتظر بماند، می‌توانست اقامه‌ی دعوا نماید.^{۲۷}

غیرممکن ساختن اجرا و نقض قابل پیش‌بینی: در قاعده‌ی نقض قابل پیش‌بینی نیز کسی که قرارداد را رد می‌کند، در حکم کسی است که اجرای قرارداد را غیرممکن می‌سازد.^{۲۸} او با رد قرارداد، خود را از اجرای آن ناتوان می‌سازد و اجرای آن را از سوی خود غیرممکن می‌کند.^{۲۹} این مطلب که اجرای قرارداد غیرممکن شود، یک توصیف دقیق منطقی نیست، بلکه یک فهم عرفی است. همان‌طور که فروشنده‌ای که با انتقال زمین خود به ثالث اجرای قرارداد فروش را غیرممکن می‌سازد،^{۳۰} ممکن است قبل از رسیدن موعد، زمین خود را پس بگیرد^{۳۱} یا مردی که با ازدواج با ثالث، اجرای تعهد ازدواج^{۳۲} را غیرممکن کرده،^{۳۳} ممکن است با فوت همسرش قبل از موعد، توانایی ازدواج با خواهان را پیدا کند،^{۳۴} یا موجری که با انتقال منافع به دیگری، امکان عمل به تعهد خود مبنی بر تمدید اجاره را از بین می‌برد،^{۳۵} ممکن است قبل از رسیدن سررسید، با فسخ اجاره، دوباره صاحب

27. Stoljar, *op. cit.*, p. 357.

28. Rapids, *op. cit.*, p. 64.

29. *Ibid.*, p. 64.

30. *Loveloc.K v. Franklyn* (1846) 8 Q.B. 371 (cites from: Stoljar, *op. cit.*, p. 357).

31. Rapids, *op. cit.*, p. 64.

32. *Harison v. Cape* (1698), LLd Raym. 386 3 Ld Raym 268 (cited from: Stoljar, *op. cit.*, p. 356).

33. *Short v. Stone* (1846) 8 Q.B.358 (cited from: Stoljar, *op. cit.*, p. 357).

34. Rapids, *op. cit.*, p. 64.

35. *Ford v. Tilly* (1827) 6 B.& C.325 (cited from: Stoljar, *op. cit.*, p. 357).

منافع خانه گردد.^{۳۶} در همه‌ی این موارد، خواهان می‌تواند به علت غیرممکن شدن اجرای قرارداد پیش از رسیدن موعد، اقامه‌ی دعوا نماید،^{۳۷} در حالی که در هیچ یک، اجرای قرارداد به‌طور مطلق غیرممکن نشده است. در «رد» پیش از موعد نیز، خواننده با رد قرارداد، خود را از اجرا ناتوان اعلام و اجرای قرارداد را غیرممکن می‌سازد، هرچند که اجرای قرارداد به‌طور مطلق غیرممکن نشده است.

به هررو قاعده‌ی نقض قابل پیش‌بینی، قدیمی‌تر از آن چیزی است که تصور می‌شود^{۳۸} یا حداقل، اصل آن قبل از سال ۱۸۵۳ میلادی شناخته شده و راه برای تثبیت آن به-عنوان یک نقض هم‌وار بوده است.^{۳۹}

انتقادات: در انتقاد به این مبنا می‌توان گفت، هرچند غیرممکن ساختن اجرای قرارداد می‌تواند به‌عنوان یکی از مصادیق رد پذیرفته شود، اما نقض به علت غیرممکن ساختن اجرای قرارداد، با نقض به علت رد قرارداد، کاملاً متفاوت است و دلیل آن نیز مخالف‌هایی است که در آرای دادگاه‌ها و نظریات حقوق‌دانان، با وجود پذیرش قاعده‌ی اول در نظام حقوق عرفی، با قاعده‌ی دوم صورت گرفت. عرف نیز به هیچ وجه، رد قرارداد را برابر با غیرممکن ساختن اجرای آن از طرف متعهد تلقی نمی‌کند. گذشته از آن، غیرممکن ساختن اجرا در آثار، تفاوت زیادی با نقض پیش از موعد دارد. هم‌چنین، بسیاری از مسائل مجهول در نقض پیش از موعد، در غیرممکن ساختن اجرا نیز وجود دارد و مبنا دانستن آن، کمکی به روشن شدن زوایای تاریک قاعده نمی‌نماید.

36. Rapids, *op. cit.*, p. 64.

37. Stoljar, *op. cit.*, p. 357.

38. Ibid.

39. Nienber, *op. cit.*, p. 217.

ج. نقض واقعی^{۴۰}

یکی دیگر از مبانی نقض پیش از موعد، مبنای نقض واقعی است.^{۴۱} ماده‌ی (۱) ۲۵۳ بازگویی قراردادهای آمریکا^{۴۲} مقرر می‌دارد: «وقتی متعهدی پیش از نقض قرارداد به واسطه‌ی عدم اجرای آن و قبل از آن که عوض را به‌طور کامل دریافت کرده باشد، اجرای قرارداد را رد می‌کند، رد قرارداد به تنهایی، حق اقامه‌ی دعوا بر اساس نقض را به‌وجود می‌آورد».^{۴۳} بر اساس این مبنا، نباید قرارداد را تنها در اجرای آن خلاصه کرد، بلکه باید اصل آن را نیز مدنظر قرارداد.^{۴۴} «قرارداد، یک حق نیمه‌تمام برای متعهدله ایجاد می‌کند تا قرارداد اجرا شود؛ این حق در سررسید کامل می‌شود. تا قبل از سررسید، این حق برای متعهدله وجود دارد که قرارداد هم‌چنان به‌درستی، به حیات خود ادامه دهد».^{۴۵} بنابراین رد قرارداد هم‌واره به معنی نقض قرارداد است، چه قبل از موعد اجرا و چه پس از آن، و به متعهدله این امکان را می‌دهد که «رد قرارداد توسط طرف دیگر را به‌عنوان نقض و پایان قرارداد حساب کند و بلافاصله، بر اساس نقض قرارداد، اقامه‌ی دعوا نماید و... تمام خساراتی را که از عدم اجرای قرارداد در موعد اجرا به او وارد می‌آید، مطالبه کند».^{۴۶}

40. Present Breach.

41. Carter, *op. cit.*, No. 721, p. 224.

42. Contract Restatement 2d (1979).

43. Carter, *op. cit.*, p. 225.

44. Ballantine, Henry Winthrop, "Anticipatory Breach and the Enforcement of Contract Duties", Michigan Law Review, Vol. 22, 1923-1924, p. 330.

45. Cockburn (C.J.) in *Frost v. Knight* (cited from: Limburg, Herbert R., "Anticipatory Repudiation of Contracts", The Cornell Law Quarterly, Vol. 10, 1914-1925, p. 141).46. Cockburn (C.J.) in *Frost v. Knight* (cited from: Willistone, *op. cit.*, p. 421).

این استدلال نخستین بار در دعوای فروست علیه نایت^{۴۷} مطرح شد. پس از آن در دعوای روه‌م علیه هورست^{۴۸} کامل‌تر شد و سپس در دادگاه عالی ایالات متحده در دعوای شرکت تراست سنترال علیه انجمن شیکاگو/اوتیدوریوم^{۴۹} نیز استفاده گردید.^{۵۰}

انتقادات: این نظریه در آمریکا به‌عنوان مبنای برتر پذیرفته شده،^{۵۱} ولی در انگلستان با استقبال مواجه نشده است.^{۵۲} انگلیسی‌ها استدلال می‌کنند که اگر رد قرارداد، به‌خودی‌خود، نقض محسوب شود، چگونه است که اگر رد مورد پذیرش متعهدله قرار نگیرد، هیچ حقی برای اقامه‌ی دعوای مطالبه‌ی خسارت به‌وجود نمی‌آید؟^{۵۳}

47. *Frost v. Knight* (1872), 7.L.R.Ex. 111 (cited from: Rowley, Keith A., "A Brief History of Anticipatory Repudiation in American Contract Law", University of Cincinnati Law Review, Vol. 69, 2000-2001, p. 586).

48. *Roehm v. Horst* (1900), 178 U.S. 1 (cited from: Rowley, *op. cit.*, p. 596).

49. *Central Trust Company v. Chicago Auditorium Association* (1916) 240 U.S.581, 591. (cited from: Limburg, *op. cit.*, p. 141).

50. Limburg, *op. cit.*, p. 141.

51. Carter, *op. cit.*, p. 224.

این مهم را می‌توان در صدر بخش ۶۰۹ ماده‌ی ۲ قانون متحدالشکل تجارت آمریکا (UCC § 2-609) به-وضوح مشاهده کرد. این بخش، مربوط به مطالبه‌ی تضمین و با عنوان حق تضمین مناسب برای اجراست و بخش بعد از آن، یعنی بخش «۶۱۰ (UCC § 2-610)» تحت عنوان نقض قابل پیش‌بینی، مسئله‌ی حق فسخ را مطرح می‌کند. بخش ۶۰۹ این‌گونه آغاز می‌شود: «۱- قرارداد بیع، تعهدی برای هریک از طرفین ایجاد می‌کند که توقع طرف مقابل برای دریافت آن‌چه از اجرای قرارداد انتظار می‌دارد، آسیب نبیند...»؛

«(1) A contract for sale imposes an obligation on each party that the other's expectation of receiving due performance will not be impaired...».

52. *Ibid.*, p. 225.

53. *Ibid.*

به‌طور کلی به نظر می‌رسد بر خلاف این نظریه که ابتکار عمل را در اختیار متعهد قرار می‌دهد، در تجارت بین‌الملل، ابتکار عمل به دست متعهدله است که بنابر موقعیت و منافع خود تصمیم بگیرد. به هر رو، این نظریه، به‌نحو مطلوبی، توضیح می‌دهد که چرا باید با پذیرش نقض قابل پیش‌بینی، متعهد خسارات نقض واقعی را به‌طور کامل بپردازد.

د. نقض گریزناپذیر^{۵۴}

از دیگر مبانی قاعده‌ی نقض پیش از موعد که باز می‌توان آن را از استدلالات دادگاه در رای فروست علیه نایت^{۵۵} استنباط کرد، نقض گریزناپذیر است.^{۵۶} در این رای آمده است: «[با رد قابل پیش‌بینی قرارداد،] اجرای آن در تاریخ مقرر منتفی شده و مسئله‌ی نقض قرارداد^{۵۷} در مورد قراردادی که در آینده اجرا نمی‌شود، به‌عنوان یکی از نتایج عملی رد قرارداد، مبنای دعوا قرار گرفته است؛ و لذا عدم اجرای قرارداد در آینده را، پیش از رسیدن موعد اجرا، به‌عنوان مبنای دعوا مطرح ساخته است».^{۵۸} براساس این مبنا: «زیان‌دیده حق دارد نقض حتمی و گریزناپذیر قرارداد را پیش‌بینی کند و مکلف نیست تا زمان تحقق آن صبر نماید».^{۵۹} بنابراین نقضی که مبنای اقامه‌ی دعوا قرار می‌گیرد، با آن نقضی که پس

54. Inevitable Breach.

55. *Frost v. Knight* (1872), 7.L.R.Ex. 111 (cited from: Rowley, *op. cit.*, p. 586).

56. Carter, *op. cit.*, No. 723, p. 226.

57. *Ibid.*

58. *Ibid.*

59. *Universal Cargo Carriers Corporation v. Citati* (1957) 2 Q.B.401, 438 (cited from: Carter, J. W., "The Embiricos Principle and the Law of Anticipatory Breach", *The Modern Law Review*, Vol. 47, 1984, p. 427).

از رسیدن موعد عملاً اتفاق می‌افتاد، هیچ تفاوتی در اوصاف و آثار ندارد.^{۶۰} انتقادات: به این مبنا اشکال شده که بیش از آن که مبنایی برای قاعده باشد، توجیهی برای آثار قاعده است.^{۶۱} در عمل هم، این دو نقض یک‌سان نیستند؛^{۶۲} گذشته از این که اطمینان از گریزناپذیر بودن، به راحتی قابل استنباط و اثبات نیست.^{۶۳}

۵. حمایت از انتظارات معقول^{۶۴}

یکی دیگر از مبانی مطرح شده در مورد قاعده، حمایت از انتظارات معقول دوطرف در اجرای قرارداد، یعنی انتظار اجرای قرارداد از سوی طرف مقابل است.^{۶۵} با اطمینان می‌توان گفت هدف از قاعده‌ی نقض پیش از موعد، حمایت از انتظار متعهدله در دریافت مابه ازای قراردادی است.^{۶۶} یک طرف قرارداد انتظار دارد که طرف مقابل، نه تنها تعهدات آتی خود را در سررسید انجام دهد، بلکه تا قبل از رسیدن موعد، مرتکب عملی که باعث ایراد صدمه‌ی جدی به این انتظار می‌شود نیز نگردد.^{۶۷} اگر حمایت از این انتظار معقول، متضمن منفعت مشروعی برای متعهدله باشد، قانون می‌تواند طرف مقابل را مکلف کند این

60. *Ibid* (cited from: *Ibid.*, note 29).

61. Carter, **Breach of Contract**, *op. cit.*, no. 723, p. 227.

62. *Ibid.*

63. *Ibid.*

64. Protection of the Reasonable Expectation of Performance.

65. Carter, *op.cit.*,

66. *Ibid.*

67. Introductory Note to Topic 3 of the Contracts Restatement 2d (1979) (cited from: Carter, **Breach of Contract**, *op. cit.*, no. 714, p. 220).

منفعت را از بین نبرده و قرارداد را از اعتبار نیندازد.^{۶۸} بنابراین رد قرارداد، نقض این تکلیف قراردادی و مبنایی برای اقامه‌ی دعواست؛ هرچند نقض واقعی قرارداد، به معنای لغوی، بر آن صدق نکند.^{۶۹}

در دعوای فروست علیه نایت،^{۷۰} استدلال شد که حق اقامه‌ی دعوا پیش از موعد بدین دلیل است که رد قرارداد، با خراب کردن ارزش آن، یک ضرر واقعی ایجاد می‌کند. اعتبارات تجاری، تاحد گسترده‌ای بر اساس انتظار معقول از قراردادهای مدت‌داری که ارزش شناخته‌شده‌ای دارند و در سررسید آینده به اجرا در می‌آیند، شکل می‌گیرد، و همان اصلی که به متعهدله این حق را می‌دهد که به قرارداد ادامه دهد تا از نتایج آن بهره‌مند گردد، او را محق می‌دارد که توانایی متعهد نسبت به اجرای به‌موقع قرارداد ادامه یابد.^{۷۱}

انتقادات: در انتقاد به این مبنا گفته شده که دفاع از انتظارات معقول متعهد، می‌تواند با معاف دانستن او از انجام تعهدات متقابل و اقامه‌ی دعوا در سررسید تامین گردد و نیازی به تجویز مطالبه‌ی خسارت قبل از رسیدن موعد نیست.^{۷۲} ضمن این که هدف و انگیزه با مبنا متفاوت است و نمی‌توان از آن برای تشریح ویژگی‌های قاعده استفاده کرد.^{۷۳}

با این حال به نظر هرچند حمایت از انتظار معقول طرفین بتواند به‌عنوان توجیهی برای لزوم قاعده مورد استفاده قرار بگیرد، اما نمی‌تواند مبنای فنی‌ای برای قاعده باشد. پذیرش

68. Williston on Contracts, No. 825, 828, 806, 1937(cited from: Ballantine, *op. cit.*, pp. 330-331).

69. Ballantine, *op. cit.*, p. 331.

70. *Frost v. Knight* (1872), 7.L.R.Ex. 111 (cited from: Rowley, *op. cit.*, p. 586).

71. Ballantine, *op. cit.*, p. 333.

72. Williston, *op. cit.*, p. 434.

73. Carter, **Breach of Contract**, *op. cit.*, No. 722, p. 226.

این که نقض انتظار علت اجرای قاعده است، حق انتخاب را از متعهدله می‌گیرد و مبنای محاسبه‌ی خسارات را عوض می‌کند.

و. مسئولیت غیر قراردادی^{۷۴}

از دیگر مبانی مطرح در مورد قاعده، مسئولیت متعهد بر اساس جنبه‌ی غیر قراردادی آن است.^{۷۵} اساس این استدلال، بر حفظ رابطه‌ی تجاری است؛^{۷۶} رابطه‌ی قراردادی، برای طرفین ارزش تجاری فراوانی دارد،^{۷۷} هرچند که هنوز موعد اجرای قرارداد نرسیده باشد.^{۷۸} برای مثال، این رابطه‌ی تجاری به فرد اعتبار می‌دهد و او می‌تواند بر اساس آن وام بگیرد.^{۷۹} این رابطه که دارای ارزش تجاری است، با رد پیش از موعد قرارداد از بین می‌رود، بدون این که از بین‌برنده‌ی آن، عذر موجهی برای این کار داشته باشد. لذا عمل او تخلف محسوب شده و مسئول جبران خسارات وارده است.^{۸۰}

این گونه حمایت قانونی از روابط دارای ارزش تجاری، در موارد دیگر هم وجود داشته است.^{۸۱} حتی در نظام حقوق عرفی، شخص ثالثی که یکی از طرفین قرارداد را به رد

74. Tort.

75. Vold, L., "The Tort Aspect of Anticipatory Repudiation of Contract", Harvard Law Review, Vol. 41, 1927-1928, pp. 340-376.

76. *Ibid.*, p. 342.

77. Vold, *Repudiation of Contract*, *op. cit.*, p. 275.

78. *Ibid.*, p. 276.

79. *Ibid.*

80. *Ibid.*

81. *Ibid.*, p. 277, note. 23.

قرارداد یا نقض آن تشویق کند، مسئول جبران خسارت‌های وارد به متعهدله شناخته شده است.^{۸۲} همین استدلال می‌تواند مبنای قاعده‌ی نقض پیش از موعد نیز باشد.^{۸۳} فلسفه‌ی این مسئولیت، حمایت از منافع عمومی است؛ این تکلیف عمومی که هیچ‌کس نباید عملی انجام دهد که باعث زیان دیگران شود.^{۸۴}

انتقادات: این تئوری با این اشکال عمده مواجه است که رابطه‌ی غیرقراردادی مورد اشاره، در نقض واقعی هم وجود دارد، در حالی که در نقض واقعی، اصلاً به آن اشاره نمی‌شود، لذا در نقض قابل پیش‌بینی نیز، به طریق اولی، قابل استناد نیست.^{۸۵}

ز. تهدید به نقض^{۸۶}

یکی دیگر از مبانی پیشنهادی برای قاعده در حقوق ملی، استوار ساختن آن بر مبنای تهدید به نقض است.^{۸۷} این نظریه که بیش‌تر با هدف توجیه امکان اقامه‌ی دعوا پیش از فرا رسیدن موعد و در پاسخ به این انتقاد که این قاعده باعث گسترش و افزایش تعهدات می‌شود، ارایه گردیده،^{۸۸} مقرر می‌دارد: زمانی که متعهدله، با رد قرارداد، به نقض قرارداد

82. (1853) 2 E.& B.216 (cited from: Vold, **The Tort Aspect of Anticipatory Repudiation of Contract**, *op. cit.*, p. 359).

83. Vold, **The Tort Aspect of Anticipatory Repudiation of Contract**, *op. cit.*, p. 353.

84. *Ibid.*, pp. 355, 356.

85. Rothschild, Alfred, "Anticipatory Contract Repudiation and it's Nullification", *Iowa Law Review*, Vol. 31, 1945-1946, p. 387.

86. Threatened Injury.

87. Ballantine, *op. cit.*, p. 336.

88. *Ibid.*

تهدید شده است، نباید منتظر عملی شدن این نقض باشد. بلکه می‌تواند با اقامه‌ی دعوا در همان زمان، متعهد را ملزم به اجرای تعهد خود، مبنی بر عدم نقض قرارداد نماید.^{۸۹} هرچند رد قرارداد پیش از رسیدن موعد، نقض واقعی قرارداد نیست، ولی بدین دلیل که تهدید به نقض، مبنای خوبی برای اقامه‌ی دعواست و بدین دلیل که خواهان باید خود را، با تحصیل رای‌ی مبنی بر اجرای عین قرارداد، نسبت به نقض احتمالی محافظت کند، می‌توان اقامه‌ی دعوا نمود.^{۹۰}

انتقادات: مشخص است که با این مبنا، حکم دادگاه باید دستور اجرای عین تعهد در سررسید باشد.^{۹۱} با این حال، پذیرش مبنای تهدید در مورد حق فسخ، صحیح به نظر نمی‌رسد. از یک سو مشخص شدن نقض اساسی در آینده^{۹۲} دیگر تهدید نیست و یک واقعیت است که در آینده به وقوع می‌پیوندد و از سوی دیگر، فسخ یک قرارداد دوجانبه به صرف تهدید، عقلایی به نظر نمی‌رسد. هم‌چنین این نظریه، حق اقامه‌ی دعوا و مطالبه‌ی خسارت را توجیه نمی‌کند. به نظر نمی‌توان ضمانت اجرای فسخ را برای صرف تهدید به نقض، قائل شد.

ح. ایجاب و قبول^{۹۳}

یکی از نظریه‌های قدیمی و مشهور برای توجیه قاعده‌ی نقض قابل پیش‌بینی، نظریه‌ی

89. *Ibid.*, pp. 336, 337.

90. *Ibid.*, p. 337.

91. *Ibid.*

92. art. 72(1) CISG.

93. Offer and Acceptance.

ایجاب و قبول است که به‌طور گسترده، در آرا و نوشته‌های حقوقی منعکس شده و چنین می‌نماید که بیش از هر چیز، به امکان پذیرش یا عدم پذیرش رد قرارداد توسط متعهدله^{۹۴} و امکان رجوع یا عدم رجوع از رد قرارداد^{۹۵} نظر دارد. در واقع، در قاعده‌ی نقض پیش از موعد، وقتی متعهد «رد قرارداد توسط خواننده را، به صورت صریح یا در عمل، به‌عنوان نقض قرارداد انتخاب می‌کند، به روابط قراردادی طرفین، به جز آن‌چه به منظور اقامه‌ی دعوا برای مطالبه‌ی خسارت لازم است، پایان داده می‌شود»^{۹۶}، چرا که متعهدله می‌تواند میان قبول یا عدم قبول رد، یکی را انتخاب کند: با عدم قبول، قرارداد را هم‌چنان تا رسیدن موعد، به نفع هر دو طرف، زنده نگاه دارد یا با تخلف دانستن رد، به آن خاتمه داده و اقامه‌ی دعوا بنماید.^{۹۷}

بنابراین قاعده این گونه توجیه می‌شود که ردکننده‌ی قرارداد، در واقع، ایجابی انشا کرده است. محتوای ایجاب این گونه است: من نمی‌خواهم به قرارداد عمل کنم. من پایان قرارداد را اعلام می‌کنم و تمام نتایج آن، از جمله این که برای دادن خسارت در دادگاه تحت تعقیب قرار بگیرم را می‌پذیرم. طرف دیگر می‌تواند این ایجاب را بپذیرد یا آن را رد کند. اگر او آن را بپذیرفت، قرارداد با تراضی پایان یافته، ولی حق اقامه‌ی دعوا علیه رد

94. Nienaber, *op. cit.*, pp.148, 149.

95. Lubbe, Gerhard, "Retraction of Repudiation: A Doctrine Writ in Water?", Stellenbosh Law Review, Vol. 7, 1996, p. 157; Kerr, A. J., "Anticipatory Breach of Contract: Some Problems Discussed", The South African Law Journal, Vol. 89, pp. 468-469.

96. *Johnstone v. Milling* (1886) L.R.16Q.B.D.460 (cited from: Rothschild, *op.cit.*, p.388).

97. *Frost v. Knight* (cited from: Williston, *op. cit.*, p. 421, 422).

کننده‌ی قرارداد باقی مانده است.^{۹۸}

پس رد قرارداد توسط متعهد، پس از پذیرش توسط متعهدله، منجر به لغو قرارداد می‌شود. در واقع، قرارداد جدیدی شکل می‌گیرد که موضوع صریح آن، پایان قرارداد قبلی، و شرط ضمنی آن، پرداخت خسارات ناشی از عدم اجرای قرارداد قبلی است.^{۹۹} نظریه‌ی ایجاب و قبول، که در رای جون استون علیه میلینگ^{۱۰۰} به‌طور کامل بیان شد،^{۱۰۱} در حقوق انگلستان جایگاه مناسبی پیدا کرد و هنوز، به‌عنوان یکی از مبانی به آن استناد می‌شود.^{۱۰۲} اما از این نظریه در آمریکا استقبال نشد و مخصوصاً از سوی اکثر نویسندگان^{۱۰۳} مورد انتقاد قرار گرفت و لذا تنها در حد یک نظریه باقی ماند. در واقع، حقوق آمریکا ترجیح داد با باطل شناختن قرارداد در صورت رد، امکان کاهش خسارات را فراهم کند.^{۱۰۴} این مطلب، در ماده‌ی ۳۱۸ بازنگری^{۱۰۵} و ماده‌ی ۶۱۰-۲ قانون یک‌نواخت تجاری آمریکا منعکس شده است.

98. *Bardley v. H. Newton Sons Co.* (1919) A.C.16 (H.L.) at 52 (cited from: Kerr, *op. cit.*, p. 469).

99. *Rapids, op. cit.*, p. 65.

100. *Johnstone v. Milling* (1886), 16 Q.B.D. 460 (cited from: Rowley, *op. cit.*, pp. 588-590).

101. *Rothschild, op. cit.*, p. 388.

102. *Denmark Productions Ltd. v. Boscobel Productions Ltd.* (1969) 1 Q.B. 699 at 731; *Jinright v. Russell*, 123 Ga. App.766; 182 S.E. 2d 328 at 330 (1971); *Lefevre v. White* (1990) 1 Lloyd's Rep.569 at 574 (cited from: Carter, **Breach of Contract**, *op. cit.*, p. 223, n. 47); also See: Carter, **Breach of Contract**, *op. cit.*, No. 750 –753, pp. 240–241, and No. 756, pp. 242–243.

103. e. g. *Williston, op. cit.*, p. 422; *Limburg, op. cit.*, p. 149.

104. *Rothschild, op. cit.*, p. 390.

انتقادات: در مورد این مبنا گفته شده که هرچند نقش آن در گسترش دکترین و توجیه ویژگی‌های منحصربه‌فرد آن قابل انکار نیست و جوهره‌ی این نظریه، که همان قدرت انتخاب متعهدله است، در قاعده باقی مانده است،^{۱۰۶} اما نمی‌تواند به‌عنوان مبنا‌ی قاعده پذیرفته شود.^{۱۰۷}

اگر رد قرارداد، ایجابی باشد که زیان‌دیده آن را قبول می‌کند، قرارداد با توافق طرفین فسخ شده و نقضی صورت نگرفته که خسارت مطالبه شود. اگر بگوییم این ایجاب و قبول، مقید به جبران خسارت است، گذشته از این که چنین شرطی ساختگی و تصنعی است، بازهم نقض شدن قرارداد منتفی می‌شود و در واقع، یک تبدیل تعهد صورت گرفته است.^{۱۰۸} ضمن این که نمی‌توان گفت متعهدله به قرارداد پایان بخشیده، اما همچنان حق اقامه‌ی دعوا بر اساس آن و مطالبه‌ی خسارات را دارد. اساسا این ایجاب، با قبول متفاوت بوده و هیچ تراضی مشترکی وجود ندارد که منجر به انعقاد قرارداد جدید شود.^{۱۰۹} ضمن این که پذیرش این مبنا مشکلات عملی ایجاد می‌کند؛ برای مثال، با پذیرش این مبنا، حکم به اجرای عین تعهد قابل تصور نیست.^{۱۱۰}

از لحاظ تاریخی نیز، این مبنا نباید صحیح باشد، زیرا تا قبل از ایجاد قاعده، امکان ابطال دوجانبه‌ی قرارداد، برای پایان بخشیدن به آن وجود داشت. ویژگی قاعده و نوآوری

←

105. Restatement

106. Nienber, *op. cit.*, p. 222.107. *Ibid.*, p. 220.108. *Ibid.*, p. 221.109. *Ibid.*110. *Ibid.*

آن این بود که رد قرارداد را به‌عنوان نقض شناخت.^{۱۱۱} لذا پیشنهاد شده است که به منظور شفافیت مباحث، اصطلاحات ایجاب و قبول کنار گذاشته و تصمیم متعهدله به پذیرش رد را یک «انتخاب» به‌شمار آورند؛^{۱۱۲} حقی که به وسیله‌ی قانون به متعهدله داده شده و منشا آن، همان قرارداد اصلی است.^{۱۱۳}

ط. شرط ضمنی^{۱۱۴}

از دیگر نظریه‌هایی که از ابتدای پیدایش قاعده برای توجیه آن ارایه شده،^{۱۱۵} نظریه‌ی شرط ضمنی است که بیان می‌دارد: در قراردادهایی که به صورت مدت‌دار منعقد می‌شوند، این شرط ضمنی وجود دارد که طرفین قرارداد، عملی مخالف قرارداد انجام ندهند و رد قرارداد، نقض این شرط ضمنی است و متعهد به جهت این عهدشکنی، می‌تواند بلافاصله تحت تعقیب قرار گیرد.^{۱۱۶} البته برخی، این مبنا را، مخصوص قراردادهای خاصی

111. *Ibid.*, p. 222.

112. *Jansen J. A in Tuckers Land & Development Corporation (pty) Ltd. v. Hovis* (1980) 1 SA 645 (A) 652 (cited from: Lubbe, *op. cit.*, p. 471; Thomson, J. M., "The Effect of a Repudiation Breach", *The Modern Law Review*, Vol. 41, 1978, p.145).

113. *Moschi v. L.E.P Aire Services* (1972)2 Au E.R.393, 402 (cited from: Thomson, *op. cit.*, p. 145).

114. Implied Term.

115. *Hochster v. Dela Tour* (1853) 2E.& B.678 at 689 (cited from: Carter, **Breach of Contract**, *op. cit.*, p. 224, note. 53).

116. *Rapids*, *op. cit.*, p. 64.

می‌دانند.^{۱۱۷}

انتقادات: در انتقاد از این مبنا گفته شده که وجود چنین تعهدی، بعید و خارج از تراضی طرفین است، چرا که دو طرف قرارداد، در زمان تشکیل آن، به اجرا فکر می‌کنند نه به نقض.^{۱۱۸} هم‌چنین، در صورت پذیرش شرط، باید گفت نقض هر شرطی، منجر به ختم قرارداد نمی‌شود. به‌علاوه، پذیرش این مبنا محاسبه‌ی خسارات را با مشکل مواجه می‌سازد.^{۱۱۹}

ی. پیش شرط ضمنی^{۱۲۰}

یکی دیگر از نظریه‌ها، نظریه‌ای است که بر مبنای شرط ضمنی عدم ممانعت از انجام پیش شرط اجرای تعهدات متقابل طرف مقابل، در قراردادهای دوجانبه مطرح شده است.^{۱۲۱} زمینه‌ی تاریخی: در حقوق انگلستان، در زمانی که هر یک از تعهدات متعاقدين

۱۱۷. برای مثال ریلی (Riley) معتقد است قاعده‌ی نقض پیش از موعد بر اساس آرای صادره در دعاوی ازدواج بنا نهاده شده است. با این توضیح که در قراردادهای ازدواج، بین دو طرف، رابطه‌ی نامزدی ایجاد می‌شود و به دلیل وجود چنین رابطه‌ای، این شرط ضمنی وجود دارد که عملی مغایر آن صورت نگیرد. این مبنا، در مورد قراردادهای ازدواج صادق است، اما در مورد سایر قراردادهای، منطبق و توجیهی ندارد.

Riley, Robert J., "The Doctrine of Anticipatory Breach as Applied in West Virginia", West Virginia Law Quarterly, Vol. 31, 1924-1925, pp. 184-185.

118. Vold, *The Tort Aspect of Anticipatory Repudiation of Contract*, *op.cit.*, p. 345.

119. Carter, *Breach of Contract*, *op. cit.*, No. 720, p. 224.

120. Implied Conditions Precedent.

121. Dawson, *op. cit.*, pp. 83-107.

مستقل از تعهدات طرف مقابل فرض می‌شد، در صورتی طرف قرارداد می‌توانست به علت عدم اجرای تعهدات قراردادی طرف مقابل، از اجرای تعهدات خود سرباز زند که چنین حقی، برای او، به صورت شرط در قرارداد، تصریح می‌گردید که اجرای تعهدات او، وابسته به اجرای تعهدات طرف مقابل است.^{۱۲۲} در واقع، با این شرط، تعهدات طرف مقابل، پیش‌شرط^{۱۲۳} اجرای تعهدات او به‌شمار می‌رفت.^{۱۲۴} پس از مدت‌ها پذیرفته شد که این مطلب نیاز به تصریح ندارد و در قراردادهای دوجانبه ممکن است این شرط ضمنی وجود داشته باشد که اجرای تعهدات هر یک، وابسته به انجام تکالیف قراردادی از سوی طرف مقابل است.^{۱۲۵}

بنابراین، شرط مطالبه‌ی انجام تعهد، این شد که مطالبه‌کننده، تعهد خود را انجام دهد^{۱۲۶} و اگر یک طرف قرارداد، آن را رد می‌کرد، طرف دیگر در عدم انجام تعهداتش معذور بود، با این استدلال که طرف مقابل، به شرط متقدم عمل نکرده است.^{۱۲۷} این نظریه مقرر می‌دارد زمانی که اجرای تعهدات قراردادی یک طرف، شرط انجام تعهدات طرف مقابل است، هر یک از دو طرف، به‌طور ضمنی، متعهد می‌گردد مانع از انجام پیش‌شرط قراردادی توسط طرف مقابل نشود؛ برای مثال، خریدار متعهد می‌شود کالای ارایه شده از سوی فروشنده را بپذیرد و بدین ترتیب، مانع او در اجرای پیش‌شرط

122. *Ibid.*, p. 87.

123. Pre-condition.

124. Dawson, *op. cit.*, p. 87.

125. *Kingston v. Preston* (1773) 2 Doug. 689; 99 E.R.436 (cited from: Dawson, *op. cit.*, p. 88).

126. Dawson, *op. cit.*, p. 88.

127. *Ibid.*, p. 89.

انجام تعهد خود نشود.^{۱۲۸} بنابراین کسی که بدون هیچ توجیهی، قرارداد را رد می‌کند، یکی از مصادیق نقض تعهد به عدم ممانعت را مرتکب شده است.^{۱۲۹} او با رد بدون دلیل قرارداد، تعهد خود یعنی پیش‌شرطی را که برای انجام تعهدات قراردادی از سوی طرف مقابل لازم بوده است، انجام نداده و در عمل، مانع از انجام تعهدات طرف مقابل شده است. به عبارت دیگر، متعهد، مانع متعهدله از اجرای پیش‌شرط قراردادی می‌شود. در نتیجه، تعهد قراردادی فوق‌الذکر را نقض کرده است و عدالت اقتضا می‌کند، در این صورت، طرف مقابل، با رد قرارداد، از انجام تعهدات متقابل معاف گردد.^{۱۳۰}

پذیرش این مبنا، بسیاری از مشکلات فنی مطرح در قاعده را حل می‌کند. یکی این که نقض، نقض تعهد واقعی است و به زیان‌دیده حق می‌دهد بلافاصله اقامه‌ی دعوا نماید؛ دیگر این که نقض، مربوط به تعهدات اصلی قرارداد نمی‌شود که لازم باشد تا رسیدن موعد صبر کنیم.^{۱۳۱} زمان تحقق نقض، زمانی خواهد بود که عملکرد متعهد، طرف مقابل را به این نتیجه می‌رساند که از اجرای تعهدات متقابل معاف شده است.^{۱۳۲} و به عبارت دیگر، زمانی که او، عدم اجرای طرف مقابل را می‌پذیرد. معیار تعیین خسارت، زمان اجرای تعهد خواهد بود، چرا که متعهد، با عملکرد خود، قرارداد را منتفی ساخته و متعهدله قرارداد، باید در شرایطی قرار بگیرد که در صورت اجرای صحیح قرارداد برایش به وجود می‌آمد.^{۱۳۳}

128. *Ibid.*, p. 96.

129. *Ibid.*, p. 97.

130. *Ibid.*

131. *Ibid.*, p. 100.

132. *Ibid.*, p. 102.

133. *Ibid.*, p. 104.

انتقادات: گذشته از این که مقدمات و استدلالاتی که مبنای این نظریه را تشکیل می‌دهند، محل تامل و تردید است، این نظریه بیش از حد پیچیده و وابسته به زمینه‌ی تاریخی آن به نظر می‌رسد و پذیرش آن به‌عنوان یک نظریه‌ی فراگیر، قابل تصور نیست.

ک. تنوری غیر حقوقی

بسیاری از نویسندگان تاکید کرده‌اند که قاعده‌ی نقض قابل پیش‌بینی، هیچ منطقی ندارد.^{۱۳۴} بهترین مبنای آن، ملاحظات اقتصادی است^{۱۳۵} و تنها به علت سهولتی که در عمل عمل ایجاد می‌کند، قابل پذیرش است.^{۱۳۶} تسهیل عملی‌ای که قاعده، در رسیدگی سریع به اختلافات طرفین ایجاد می‌کند، غیرقابل انکار است؛^{۱۳۷} هم از معطل ماندن مطالبه‌ی خسارت جلوگیری می‌کند،^{۱۳۸} و هم فشارهای روانی و نگرانی‌هایی را که ممکن است برای طرفین، تا رسیدن سررسید وجود داشته باشد، از بین می‌برد.^{۱۳۹} هم‌چنین، در قراردادهایی که طولانی مدت هستند، پذیرش قاعده، مانع از بین رفتن اسناد و مدارک می‌گردد.^{۱۴۰} لذا این سهولت عملی، بر اصل و منطق حقوقی برتری دارد.^{۱۴۱}

134. Riley, *op. cit.*, p. 185.

135. Swanson, Vernon, "Renunciation of Contracts", Wisconsin Law Review, Vol. 6, 1930-1931, p. 147.

136. Riely, *op. cit.*, p. 185; Williston, *op. cit.*, p. 438.

137. Farrell, John M., "Anticipatory Breach of Contract in Florida" (note), University of Florida Law Review, Vol. 2, 1949, p. 249.

138. Riley, *op. cit.*, p. 185.

139. *Ibid.*

140. Farrel, *op. cit.*, p. 249.

قسمت دوم: مبنا‌ی پیشنهادی

به نظر می‌رسد در مورد مبنا‌ی قاعده‌ی نقض پیش از موعد، باید دو مسئله را از هم تفکیک کرد. اول، نظریه‌هایی که مبنا و هدف قاعده را بیان می‌کنند و بسترهای ایجادکننده‌ی آن را مطرح می‌سازند، و دوم، نظریه‌هایی که توجیه منطقی قاعده را بر عهده دارند و در پی انطباق آن با اصول و مبانی شناخته شده‌ی حقوق قراردادها هستند.

الف. مبنا و هدف قاعده

می‌توان گفت، قاعده‌ی نقض پیش از موعد، بر اساس چهار زمینه و مبنا به وجود آمده است. در واقع، چهار نظریه‌ی مطرح در مورد مبنا‌ی قاعده، نظریه‌هایی هستند که ضرورت ایجاد و هدف‌ها و کارکردهای آن را بیان می‌کنند. این مبانی و اهداف با هم در تعارض نیستند و هر یک قسمتی از قاعده را توجیه می‌کنند.

۱- تسهیل عملی

یکی از کارکردها و اهداف قاعده‌ی نقض پیش از موعد، تسهیلی است که در عمل به وجود می‌آورد. به عقیده‌ی بسیاری از نویسندگان حقوق ملی، هیچ مبنا‌ی دیگری به جز این مبنا نمی‌تواند قاعده را توجیه کند. این مبنا در اولین آرای صادره در حقوق ملی نیز منعکس شده است.

با پذیرش قاعده‌ی نقض پیش از موعد، وقتی یک طرف نمی‌تواند یا نمی‌خواهد قرارداد را در موعده‌ی که در آینده است انجام دهد، طرف مقابل او می‌تواند به قرارداد پایان دهد. با این اقدام، روابط قراردادی پایان یافته و فشارهای روانی و کاری ناشی از آن

←

141. Riley, *op. cit.*, p. 185.

به اتمام می‌رسد و نگرانی از نقض قرارداد پایان می‌پذیرد. زیان‌دیده می‌تواند بلافاصله اقدامی دعوا کرده و تکلیف خود را نسبت^{۱۴۲} به وضعیتی که در آن قرار گرفته است، مشخص کند، سرعت در رسیدگی افزایش می‌یابد^{۱۴۳} و متعهدله زودتر و بهتر به آنچه استحقاق دارد، دست می‌یابد. در طرف مقابل نیز با اتمام قرارداد، تکالیف متعهد پایان پذیرفته و او می‌تواند با فراغ بال، برای سایر امور خود برنامه‌ریزی نماید. لذا پذیرش قاعده، به‌طور کلی، باعث تسهیل امور و تسریع در رسیدگی به وضعیت قرارداد می‌شود.

۲- حمایت از انتظارات معقول

متعهد باید حق داشته باشد انتظار او در مورد اجرای قرارداد مورد حمایت قرار گیرد.^{۱۴۴} همان‌طور که در حقوق ملی، هدف اصلی قاعده، حمایت از انتظارات معقول طرفین قرارداد دانسته شده است،^{۱۴۵} در حقوق بین‌الملل نیز، این مسئله، به‌عنوان مأموریت عهدنامه-ی بیع بین‌الملل به‌طور اعم،^{۱۴۶} و قاعده‌ی نقض پیش از موعد به‌طور اخص،^{۱۴۷} مورد تأکید نویسندگان قرار گرفته است.

142. Honnold, John O., **Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention**, The Hague, Kluwer Law International, 3th ed., 1999, No. 397, p. 439.

143. *Ibid.*

144. Honnold, *op. cit.*, p. 439.

145. Carter, **Breach of Contract**, *op. cit.*

146. Lookofsky, Joseph, **The United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods in International Encyclopedia of Laws**, J. Herbots, R. Blanpain (general editor), International Encyclopaedia of Laws - Contracts, Kluwer Law International, 2000, No. 284, p. 150.

متعاقدين برای رسیدن به عوض قراردادی وارد معامله شده‌اند. آن‌ها همان‌طور که انتظار دارند در موعد مقرر، با انجام تعهدات از سوی طرف مقابل، به مطلوب خود برسند، انتظار دارند در دوره‌ی زمانی قبل از اجرای تعهد نیز، تعهدات حفظ شده و اراده‌ی مبنی بر اجرای آن وجود داشته باشد. وقتی یکی از طرفین با رد قرارداد از سوی طرف مقابل مواجه شده یا متوجه می‌شود که متعهد نمی‌تواند به تعهداتش عمل کند، حمایت از انتظارات معقول او ایجاب می‌کند بتواند با فسخ قرارداد و اقامه‌ی دعوا، خود را از زیر بار قراردادی که به نتیجه نمی‌رسد رها ساخته و با مطالبه‌ی خسارت، آنچه را که قصد داشته از اجرای تعهدات به دست آورد، کسب نماید. عدم اجرای تعهدی که انتظار آن می‌رود، معادل عدم اجرایی است که به هنگام رسیدن موعد اجرا محقق شده است.^{۱۴۸}

۳- جلوگیری از اتلاف منابع

یکی دیگر از مبانی و اهداف قاعده‌ی نقض پیش از موعد، جلوگیری از اتلاف منابع است.^{۱۴۹} اگر مشخص شود نقض قرارداد در آینده اتفاق می‌افتد، عدم اقدام فوری برای معامله‌ی جای‌گزین، منجر به افزایش خسارات می‌شود و تکلیف به کاهش خسارت ایجاب می‌کند قرارداد فسخ شود. اگر با وجود پیش‌بینی نقض، متعهدله هم‌چنان مکلف باشد تا

←

147. Honnold, *op. cit.*, No. 397, p. 439.

۱۴۸. موسسه‌ی بین‌المللی یک‌نواخت کردن حقوق خصوصی، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، ترجمه و تحقیق: بهروز اخلاقی و فرهاد امام، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص. ۲۶۳.

149. Bulgaria 24 January 1994 Arbitration Case 39/93 [cite as: [http://www.cisgw3.law.pace.edu/cases/940124 bu. html](http://www.cisgw3.law.pace.edu/cases/940124bu.html)].

رسیدن موعد صبر کند، متحمل خسارات خواهد شد و اعمال قاعده‌ی نقض قابل پیش‌بینی، این خسارات را کاهش می‌دهد.^{۱۵۰}

۴- حمایت از متعهدله در مورد تهدید

هرچند معقول به نظر نمی‌رسد که بتوان بر مبنای تهدید یک طرف قرارداد، به او حق فسخ و مطالبه‌ی خسارت داد، اما نمی‌توان کسی را که سرمایه و اموال خود را در معرض خطر می‌بیند، بدون پشتوانه‌ی حقوقی رها کرد.

اگر بخواهیم وضعیت نقض پیش از موعد را، در جایی که احتمال نقض وجود دارد، درجه‌بندی کنیم، شاید بتوان دو حالت کلی در نظر گرفت. حالت اول این است که درجه‌ی احتمال، بسیار بالا و نقض، تا اندازه‌ی زیادی قطعی باشد؛ همانند جایی که متعهد صریحاً انجام تعهد را رد می‌کند. حالت دوم، در جایی است که تهدید به نقض وجود دارد، اما این تهدید در حد احتمال است و به حدی نیست که نقض اساسی را قطعی سازد. قاعده‌ی نقض پیش از موعد، هر دو حالت را پوشش داده است. در جایی که نقض اساسی قطعی است، ضمانت اجرای فسخ و در جایی که نقض اساسی قطعی نیست، ضمانت اجرای مطالبه‌ی تضمین را در اختیار متعهدله قرار می‌دهد. در قسمت اخیر، به‌طور خاص، می‌توان هدف و فلسفه‌ی اصلی قاعده را حمایت از متعهدله در برابر تهدید نقض قرارداد دانست؛ چه این که با دادن تضمین از سوی طرف مقابل، حالت روانی تهدید از بین رفته و اطمینان خاطر به متعهدله باز می‌گردد.

150. Honnold, *op. cit.*, No. 397, p. 439.

ب. مبانی فنی قاعده

به نظر ما، هیچ یک از نظریه‌هایی که جهت توجیه قاعده‌ی نقض مطرح شده است، نمی‌تواند به‌طور کامل این قاعده را تشریح کند، کما این که در حقوق ملی نیز هیچ یک از آن‌ها نتوانسته از حمایت قاطبه‌ی دادگاه‌ها و حقوق‌دانان برخوردار شود؛ گذشته از این که معمولاً این نظریه‌ها بر اساس مبانی خاص حقوق ملی و زمینه‌های تاریخی آن شکل گرفته و از فضای ساده و مشترک قواعد تجارت بین‌الملل، که باید مبتنی بر مبانی مشترک همه‌ی نظام‌های حقوقی و قابل فهم توسط آن‌ها باشد، به دور افتاده است. لذا در این قسمت، مبانی دیگری برای قاعده پیشنهاد می‌شود که علاوه بر ساده و فراگیر بودن، بتواند جنبه‌های مختلف قاعده را به‌خوبی توجیه کند.

موضع نزاع: می‌دانیم که نقض مجوز فسخ، یعنی عدم انجام قرارداد یا انجام ناقص آن به‌طوری که اهداف اساسی قرارداد را از بین ببرد، محقق نمی‌شود مگر زمانی که موعد انجام قرارداد رسیده باشد. مهم‌ترین چالشی که نقض قابل پیش‌بینی با آن مواجه است، این است که چگونه پیش از رسیدن زمان اجرا، قرارداد نقض می‌شود.

مقدمه‌ی اول: به نظر می‌رسد در قراردادهای مدت‌دار باید میان تعهدات اساسی قرارداد تفکیک کرد. همان‌طور که از اسم این قراردادها مشخص است، این گونه قراردادها از دو قسمت تشکیل شده‌اند: ۱- قرارداد؛ ۲- مدت‌دار بودن. به عبارت دیگر، در قراردادهای مدت‌دار، تعهداتی بر عهده‌ی طرفین می‌آید که باید در آینده انجام شود. لذا محتوای این قراردادها از دو جزء تشکیل شده است: ۱- ایجاد تعهد ۲- انجام تعهد در موعد مقرر. برای این که مسئله واضح‌تر شود، آن را در قالب مثالی می‌بینیم:

نفر «الف» و نفر «ب» با هم قرارداد می‌بندند که «الف» یک تن برنج در پایان تابستان که محصول خود را برداشت می‌کند، به نفر «ب»، به ازای هر کیلو هزار تومان، بفروشد. این قرارداد از دو جزء اصلی تشکیل شده است. اول: فروش برنج یا تعهد به فروش برنج و

دوم: انجام معامله (تحويل برنج) در پایان تابستان. «الف» متعهد است اولاً، به «ب» برنج بفروشد. ثانیاً، این کار را در پایان تابستان انجام دهد.

پس می‌توان گفت، قراردادهای مدت‌دار، از دو قرارداد جزئی‌تر تشکیل می‌شوند: اول، تعهد اولیه‌ی قرارداد بدون عنصر زمان، که می‌تواند همان فروش یا اجاره یا ساخت و مانند آن باشد. دوم، تعهد ثانویه‌ی قرارداد که این قرارداد در چه تاریخی به اجرا درآید. این تعهد اگر چه محور و هسته‌ی اصلی قرارداد را تشکیل نمی‌دهد، اما برای طرفین اهمیت اساسی دارد و نقض آن، نقض اساسی قرارداد محسوب می‌شود.

مقدمه‌ی دوم: نکته‌ی دیگری که باید مدنظر داشت این است که تعهدات در قرارداد دوجانبه است، به گونه‌ای که تعادل میان منافع دو طرف حفظ شود؛ برای مثال در یک قرارداد بیع، بایع مبیع و مشتری ثمن را به دست می‌آورد.

اما تعهدات قراردادی دوجانبه بر دو نوع است: اول، تعهداتی که مجزا از یکدیگر و در مقابل یکدیگرند و مجموع آن‌ها تعادل را ایجاد می‌کند، مانند تعهد به دادن مبیع و ثمن که هر یک از آن‌ها مستقل از یکدیگر و ضامن منافع یکی از طرفین است و در عین حال مجموع آن دو، که در مقابل هم هستند، به نفع هر دو طرف و برقرارکننده‌ی تعادل‌اند. دوم، تعهداتی که یک جزء بیش‌تر ندارند، اما همین یک جزء، منافع دو طرف را در بر دارد؛ برای مثال، تعهد به انجام قرارداد در زمانی که مورد توافق دو طرف است، یک جزء بیش‌تر ندارد، اما این تعهد برای هر دو طرف است. برای نمونه وقتی زمان تحويل برنج در آخر تابستان تعیین می‌شود، این تعهد هم به نفع فروشنده است، که تا آن زمان فرصت دارد کالای خود را تهیه کند، و هم به نفع خریدار، که تا آن زمان ثمن را آماده می‌سازد. نتیجه این که این گونه از تعهدات نیز، هرچند از یک جزء تشکیل شده، اما متضمن منافع هر دو طرف است، با اراده‌ی مشترک هر دو طرف به وجود آمده و تنها با اراده‌ی مشترک دو طرف نیز قابل تغییر یا حذف است.

تحلیل رد صریح قرارداد: در بررسی نقض پیش از موعد، در ابتدا حالتی را در نظر می‌گیریم که متعهد صریحا اعلام کرده است که تعهد خود را انجام نمی‌دهد. سپس نظریه را به کل موارد گسترش می‌دهیم.

وقتی متعهد در قرارداد مدت‌دار صراحتا می‌گوید که قادر یا حاضر به اجرای تعهدات قراردادی‌اش نیست، او در واقع دو مسئله را بیان می‌کند:

مسئله‌ی اول: قرارداد، از لحاظ زمانی، متضمن تعهد انجام موضوع آن در زمان خاصی است، برای مثال قرارداد باید در آخر تابستان انجام شود. اما چون من نمی‌خواهم یا نمی‌توانم به قرارداد پای‌بند باشم، می‌خواهم که این تعهد را لغو کنم. لذا «ای آقای متعهدله! قبول کن که موعد قرارداد را *حال* کنیم»، چون هر دو توافق کرده بودیم که یک یا چند ماه دیگر موعد برسد، الان من پیشنهاد و به عبارت صحیح‌تر، ایجاب می‌کنم زمان اجرا را به زمان حال تغییر دهیم.

مسئله‌ی دوم: تعهد قراردادی متضمن انجام تعهد اصلی است، برای مثال متعهد مکلف بوده در آخر تابستان به خریدار برنج تحویل بدهد. اکنون پس از پیشنهاد اول، عنوان می‌دارد «اگر پیشنهاد مرا پذیرفتی و موعد قرارداد عوض و قرارداد مدت‌دار به یک قرارداد حال تبدیل شد، من اعلام می‌کنم که تعهدات آن را انجام نمی‌دهم». بنابراین قرارداد نقض شده و متعهدله حق فسخ و اقامه‌ی دعوا دارد.

متعهدله، در برابر آن‌چه متعهد بیان کرده، می‌تواند یکی از دو گزینه را انتخاب کند: اول، بپذیرد که موعد قرارداد تغییر یافته و قرارداد حال شده است. در این حالت، متعهد باید به تعهدات خود عمل کند، در حالی که او می‌گوید من به آن پای‌بند نیستم. پس بارزترین شکل نقض قرارداد، که همان عدم انجام تعهد در موعد است، اتفاق افتاده و متعهدله می‌تواند با فسخ قرارداد، بلافاصله اقامه‌ی دعوا نماید.

دوم، نپذیرد که موعد قرارداد تغییر یافته و قرارداد حال شده است. در نتیجه، قرارداد هم‌چنان مدت‌دار باقی می‌ماند. متعهدله تا سررسیدی که از ابتدا مشخص شده، صبر می‌کند و پس از عدم اجرای تعهد توسط متعهد، به علت نقض قرارداد، علیه او اقامه‌ی دعوا می‌کند.

بنابراین مبنای نقض پیش از موعد، نقضی واقعی و نسبت به قرارداد اصلی است. حق فسخ و اقامه‌ی دعوا، بلافاصله به وجود می‌آید و بسیاری دیگر از زوایای این قاعده، که دادگاه‌ها و رویه‌ی قضایی نیز به تجربه به آن رسیده است، ملموس و قابل توجیه می‌گردد. تحلیل نقض قابل پیش‌بینی: اکنون که چارچوب قاعده مشخص شد، آن را به وضعیت کلی که اعم از رد صریح قرارداد توسط متعهدله است، تعمیم می‌دهیم. زمانی که مشخص می‌شود متعهد قراردادی، در تاریخی که در آینده مقرر شده است، نمی‌خواهد یا نمی‌تواند به تعهدات خود عمل کند، قانون‌گذار، بر مبنای حمایت از انتظار معقول متعهدله، تسهیل عملی امور و کاهش خسارات، این حق را به او می‌دهد که از موعد صرف نظر کند؛ به عبارت دیگر، متعهد با کلام یا کردار خود می‌گوید که قادر یا حاضر به انجام تعهدات قراردادی‌اش نیست. قانون‌گذار از سوی او به متعهدله می‌گوید حال که متعهد نمی‌تواند تعهدش را انجام دهد، من از جانب او پیشنهاد می‌کنم، شرط مدت از قرارداد حذف شود و با نقض قرارداد، حق اقامه‌ی دعوا و مطالبه‌ی خسارت به وجود آید. متعهدله می‌تواند با پذیرش این پیشنهاد قانون‌گذار و حذف شرط زمان، به تعهدی برسد که به علت عدم انجام آن با نقض مواجه شده است، لذا به قرارداد پایان داده و علیه متعهدله اقامه‌ی دعوا نماید؛ یا این پیشنهاد را نپذیرد و هم‌چنان قرارداد را الزام‌آور نگاه دارد تا سررسید فرا رسد. پس حق فسخی که قانون به متعهدله می‌دهد، از دو لایه تشکیل شده است. در واقع این حق، حق پذیرش حذف شرط زمان است که با پذیرش آن متعهدله با قرارداد حال، اما نقض شده مواجه گشته و می‌تواند به علت نقض، علیه متعهد، اقامه‌ی دعوا کند.

نتیجه‌گیری

با تفکیک شرط زمان در قراردادهای مدت‌دار، به نظر می‌رسد می‌توان توجیه مناسبی برای قاعده‌ی نقض پیش از موعد به دست داد. در این صورت، وقتی متعهد قرارداد را رد می‌کند، در واقع از متعهدله می‌خواهد که شرط مدت قرارداد حذف شود و وقتی متعهدله با آن موافقت می‌کند، قرارداد حال شده و قرارداد حال شده‌ای که اجرا نمی‌شود، نقض می‌گردد. لذا متعهد، تا زمانی که متعهدله پیشنهاد او را نپذیرفته باشد، می‌تواند از رد قرارداد برگردد. اگر تا مدتی که ایجاب باقی می‌ماند، متعهدله پاسخی به رد ندهد، رد اثر خود را از دست می‌دهد. اگر متعهدله، رد را بپذیرد، قرارداد به صورت واقعی نقض می‌شود و معیار محاسبه‌ی خسارات، همان زمان پذیرش رد است.

منابع

الف: فارسی

۱. موسسه‌ی بین‌المللی یک‌نواخت کردن حقوق خصوصی، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، ترجمه و تحقیق: بهروز اخلاقی و فرهاد امام، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۷۹.

ب: انگلیسی

1. Ballantine, Henry Winthrop, "**Anticipatory Breach and the Enforcement of Contract Duties**", Michigan Law Review, Vol. 22, 1923-1924, pp. 329-352.
2. Carter, J. W. , **Breach of Contract**, Sydney, The Law Book Company Limited, 2th ed., 1991.
3. Carter, J. W., "**The Embiricos Principle and the Law of Anticipatory Breach**", The Modern Law Review, Vol. 47, 1984, pp. 422-436.
4. Dawson, Francis, "**Metaphors and Anticipatory Breach of Contract**", Cambridge Law Journal, Vol. 40, 1981, pp. 83-107.
5. Farrell, John M., "**Anticipatory Breach of Contract in Florida**" (note), University of Florida Law Review, Vol. 2, 1949, pp. 244-249.
6. Honnold, John O. , **Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention**, The Hague, Kluwer Law International, 3th ed., 1999.
7. Kerr, A. J., "**Anticipatory Breach of Contract: Some Problems Discussed**", The South African Law Journal, Vol. 89, 1972, pp. 465-471.

8. Limburg, Herbert R. , **"Anticipatory Repudiation of Contracts"** , The Cornell Law Quarterly, Vol. 10, 1924-1925, pp. 135-180.
9. Lookofsky, Joseph, **The United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods in International Encyclopedia of Laws**, J. Herbots, R. Blanpain (general editor), International Encyclopaedia of Laws - Contracts, [Kluwer Law International](#), 2000.
10. Lubbe, Gerhard, **"Retraction of Repudiation: A Doctrine Writ in Water?"**, Stellenbosh Law Review, Vol. 7, 1996, pp. 147-162.
11. Nienber, P. M. , **"The Effect of Anticipatory Repudiation: Principle and Policy"**, The Cambridge Law Journal, 1962, pp. 213-233.
12. Rapids, Mich. Grand; Campbell, L. I. M. Colin P. , **"The Doctrine of Anticipatory Breach"**, Contract Law Journal, Vol. 60, 1905, pp. 64-69.
13. Riley, Robert J. , **"The Doctrine of Anticipatory Breach as Applied in West Virginia"**, West Virginia Law Quarterly, Vol. 31, 1924-1925, pp. 182-191.
14. Rothschild, Alfred, **"Anticipatory Contract Repudiation and it's Nullification"**, Iowa Law Review, Vol. 31, 1945-1946, pp. 383-395.
15. Rowley, Keith A. , **"A Brief History of Anticipatory Repudiation in American Contract Law"**, University of Cincinnati Law Review, Vol. 69, 2000-2001, pp. 565-639.
16. Stoljar, Samuel, **"Some Problems of Anticipatory Breach"**, Melbourne University Law Review, Vol. 9, 1973-1974, pp. 355-369.

17. Swanson, Vernon, "**Renunciation of Contracts**", Wisconsin Law Review, Vol. 6, 1930-1931, pp. 144-165.
18. Thomson, J. M. , "**The Effect of a Repudiation Breach**", The Modern Law Review, Vol. 41, 1978, pp. 137-146.
19. Vernon, **Renunciation of Contracts**, Wisconsin Law Review, 1930-31, vol. 6, pp. 144-165.
20. Vold, L. , "**Repudiation of Contract**", Nebraska Law Bulletin, Vol. 5, 1926-1927, pp. 269-323.
21. Vold, L. , "**The Tort Aspect of Anticipatory Repudiation of Contract**", Harvard Law Review, Vol. 41, 1927-1928, pp. 340-376.
22. Williston, Samuel, "**Repudiation of Contract II**", Harvard Law Review, Vol. 14, No. 7 , 1900-1901, pp. 421-441.